

Come Out on Top: 4 Success Idioms That Pay Off

English learning resource · FA

Key words & expressions · English + Persian

8 learning entries

Study task: Listen again and notice the expressions you studied.

1

come out on top

در نهایت پیروز شدن · دست بالا را پیدا کردن

DEF

To succeed or be in the strongest position after a competition, difficulty or challenging situation.

It describes the final result of a real contest or difficulty. The past form is "came out on top"; it does not merely express confidence about future success.

FA

پس از یک رقابت، دشواری یا موقعیت چالش برانگیز موفق شدن یا در جایگاه برتر قرار گرفتن.

این عبارت نتیجه نهایی یک رقابت یا دشواری واقعی را بیان می‌کند. شکل گذشته آن «came out on top» است و صرفاً اعتماد به موفقیت آینده نیست.

Emma competed against twenty candidates and came out on top.

اما با بیست نامزد رقابت کرد و در نهایت پیروز شد.

The negotiation was difficult, but our team came out on top.

مذاکره دشوار بود، اما تیم ما در نهایت دست بالا را پیدا کرد.

2

pay off

نتیجه دادن · ثمر دادن

DEF

To produce a good result after effort, patience or investment.

In this meaning, the effort or preparation pays off; do not add a person as an object. A separate use, "pay off a debt", means to repay it completely.

FA

پس از تلاش، صبر یا سرمایه‌گذاری نتیجه خوبی ایجاد کردن.

در این معنا، خود تلاش یا آماده‌سازی نتیجه می‌دهد و شخص مفعول نمی‌آید. کاربرد جداگانه «pay off a debt» یعنی بدهی را کامل پرداخت کردن.

Months of careful practice finally paid off.

ماه‌ها تمرین دقیق سرانجام نتیجه داد.

Taking time to prepare paid off during the interview.

وقت گذاشتن برای آماده شدن در مصاحبه ثمر داد.

3

go places

آینده درخشانی داشتن · پیشرفت زیادی کردن

DEF

To show the ability and potential to become successful in the future.

Usually said about a talented person, team or young company. It is figurative: it does not mean that the subject is travelling.

FA

توانایی و ظرفیت موفق شدن در آینده را نشان دادن.

معمولاً درباره فرد با استعداد، تیم یا شرکت جوان گفته می‌شود. این عبارت مجازی است و به معنای سفر کردن نیست.

Her manager believes that Emma is going places.

مدیرش باور دارد که اما آینده درخشانی دارد.

That young company is going places because it has strong ideas.

آن شرکت جوان به‌خاطر ایده‌های قوی‌اش پیشرفت زیادی خواهد کرد.



4

with flying colours

با موفقیت چشمگیر • با نتیجه عالی

DEF

Very successfully, especially when passing an exam, test, inspection or assessment.

The phrase intensifies "pass" and is always plural: say "with flying colours", not "with a flying colour".

FA

با موفقیت بسیار زیاد، به‌ویژه هنگام گذراندن امتحان، آزمون، بازرسی یا ارزیابی.

این عبارت معنای فعل «pass» را تقویت می‌کند و در انگلیسی همیشه جمع است: «with flying colours».

Emma passed her final assessment with flying colours.

اما ارزیابی نهایی‌اش را با موفقیت چشمگیر پشت سر گذاشت.

The new system passed every safety test with flying colours.

سیستم جدید همه آزمون‌های ایمنی را با نتیجه عالی گذراند.

5

compete against

با کسی رقابت کردن

DEF

To try to win or perform better than another person, team or organisation.

Use "against" before the opponent. Use "compete for" before the prize or opportunity: candidates compete against each other for a place.

FA

تلاش برای برنده شدن یا عملکرد بهتر از شخص، تیم یا سازمان دیگر.

پیش از رقیب از «against» و پیش از جایزه یا فرصت از «for» استفاده می‌شود: افراد با یکدیگر برای یک جایگاه رقابت می‌کنند.

Emma competed against twenty other candidates.

اما با بیست نامزد دیگر رقابت کرد.

Three teams are competing for the final contract.

سه تیم برای قرارداد نهایی رقابت می‌کنند.

6

a challenging situation

موقعیت چالش‌برانگیز • شرایط دشوار

DEF

A situation that requires considerable effort, skill or determination.

"Challenging" often sounds constructive or neutral: the situation is difficult, but it may offer a chance to learn or improve.

FA

موقعیتی که به تلاش، مهارت یا عزم زیادی نیاز دارد.

واژه «challenging» اغلب لحن سازنده یا خنثی دارد: موقعیت دشوار است، اما می‌تواند فرصتی برای یادگیری یا پیشرفت باشد.

She stayed calm in a challenging situation.

او در یک موقعیت چالش‌برانگیز آرام ماند.

Leading the new team will be challenging but rewarding.

رهبری تیم جدید دشوار اما ارزشمند خواهد بود.

7

pass an assessment

در ارزیابی قبول شدن • ارزیابی را با موفقیت گذراندن

DEF

To achieve the result required to succeed in a formal evaluation of knowledge, skill or quality.

Use "pass" directly before the exam or assessment, without "in": "pass an assessment". The opposite is "fail an assessment".

FA

به دست آوردن نتیجه لازم برای موفقیت در ارزیابی رسمی دانش، مهارت یا کیفیت.

در انگلیسی «pass» مستقیماً پیش از «exam» یا «assessment» می‌آید و «in» نمی‌گیرد. متضاد آن «fail an assessment» است.

Emma passed her final assessment with flying colours.

اما ارزیابی نهایی‌اش را با موفقیت چشمگیر گذراند.

Every new product must pass a safety assessment.

هر محصول جدید باید ارزیابی ایمنی را با موفقیت بگذراند.



8

retrieval practice

تمرین بازیابی از حافظه · تمرین یادآوری فعال

DEF

A learning technique in which you actively recall information instead of only reading or listening to it again.

Common in education. Completing a sentence from memory or answering before seeing the solution are forms of retrieval practice.

FA

روش یادگیری که در آن اطلاعات را به طور فعال به یاد می آورید، نه اینکه فقط دوباره آن را بخوانید یا بشنوید.
این اصطلاح در آموزش رایج است. کامل کردن جمله از حافظه یا پاسخ دادن پیش از دیدن جواب نمونه هایی از تمرین بازیابی هستند.

The lesson includes interactive retrieval practice.

این درس تمرین تعاملی بازیابی از حافظه دارد.

A short recall quiz is useful retrieval practice.

یک آزمون کوتاه یادآوری، تمرین بازیابی مفیدی است.

